

بررسی موسیقی بیرونی و کناری غزلیات ابن‌یمین فریومدی

رحیم سلامت آذر^۱

چکیده

تدوین فرهنگ تاریخی عروض شعر فارسی به نحوی که بتوان زمان آغاز به کار رفتن یک وزن و سپس میزان کاربرد آن در ادوار بعدی و تعیین بسامد و ترسیم فراز و نشیب موجود در تداول هریک از اوزان عروضی را به دقت تمام تعیین کرد، امروزه خصوصاً با توجه به وجود چاپ‌های منقح از دواوین و منظومه‌های شعر فارسی، امری بسیار ضروری و مفید به نظر می‌رسد؛ خاصه از آن جهت که جای چنین فرهنگی - البته با ویژگی‌های مذکور فوق - در حوزه پژوهش‌ها و منابع موجود خالی است. بدیهی است اولین قدم در راه تدوین چنین فرهنگی، بررسی یک یک دیوان‌های شعر فارسی موجود و استخراج نتایج آن به عنوان مواد و عناصر اولیه و اساسی مورد نیاز است. این مقاله، پاسخی است به این نیاز ضروری که در آن غزلیات ابن‌یمین فریومدی را از جهت ردیف، قافیه و اوزان عروضی بررسی کرده‌ایم. روشی که برای این کار مد نظر است، روش توصیفی - تحلیلی است. ابن‌یمین در غزلیات خود، نه بحر از بحور عروضی استفاده کرده‌است که در این میان بحر رمل بسامد بالایی دارد. اکثر اشعار وی در قالب مُثَمَّن و دارای قافیۀ اسمی هستند. در غزلیات وی حروف روی «ر» و «ن» بیشتر بکار رفته‌اند. بسامد استفاده از ردیف و اشعار مردف در غزلیات شاعر زیاد است. در موسیقی کناری، استفاده ابن‌یمین از کلمات خوش آهنگ و مصوّت بلند در قافیه باعث زیبایی و گوش‌نوازی اشعار وی شده‌است.

واژه‌های کلیدی: غزلیات، ابن‌یمین، قافیه، بحور عروضی، زحافات، ردیف.

۱. پژوهشگر و مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

موسیقی بدون تردید یکی از عوامل اصیل زیبایی شعر است که باعث موزون بودن و شیوایی و روانی کلام می‌شود و آن را در جایگاه بالاتری به نسبت نثر قرار می‌دهد. همچنین به شاعر کمک می‌کند تا بین عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شعر که همانا واژگان می‌باشد، ارتباط و پیوند ایجاد کند و به این وسیله مفاهیم شعری را زیباتر و ساده‌تر به مخاطب انتقال می‌دهد.

امیر محمود فریومدی معروف به ابن یمن از شاعران معروف زبان فارسی در قرن هشتم هجری به شمار می‌آید. پدرش، امیر یمین‌الدین طغرایی مردی فاضل و متمکنی بود و به روزگار سلطان محمد خدابنده در قصبه فریومد اسباب و املاک خریده و همانجا ساکن شده بود. دوران کودکی ابن یمن در خراسان گذشت و هم در ایام جوانی به تبریز رفت و به درگاه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌الله وزیر پیوست و او را مدح گفت، ولی سرانجام به خراسان بازگشت و بیشتر در فریومد به سر می‌برد. ابن یمن اصولاً فردی قناعت‌پیشه و مقید به مبانی اخلاق بود به طوری که بیشتر قطعات وی جنبه تعلیمی و اخلاقی دارد.

موسیقی در شعر به چهار حیطة اصلی درونی، معنوی، کناری و بیرونی تقسیم می‌شود. موسیقی درونی شامل تکرار، انواع جناس‌ها و سجع‌ها و موسیقی معنوی شامل تضاد و طباق، ایهام و مراعات‌النظیر است. موسیقی کناری از عوامل مؤثر در نظام موسیقایی شعر همچون قافیه و ردیف به وجود می‌آید و موسیقی بیرونی، جانب عروضی وزن شعر است.

۱-۱. هدف و مسأله پژوهش

در این پژوهش غزل‌های ابن یمن فریومدی از منظر موسیقی بیرونی و کناری نگریسته شده است. مسأله تحقیق این است که تنوع و کیفیت اوزان غزلیات ابن یمن چگونه است و این شاعر در استفاده از موسیقی بیرونی و کناری برای غنای اشعار خود چه نوآوری‌ها و ویژگی‌های برجسته‌ای داشته است؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

در زمینه موسیقی شعر در اشعار شاعران کلاسیک و معاصر کارهای ارزنده‌ای صورت گرفته است تحقیقاتی چون فرهنگ اوزان شعر فارسی و نیز وزن و قافیه شعر فارسی از وحیدیان کامیار و کتاب موسیقی شعر از شفیعی کدکنی و مقالاتی چون بررسی موسیقی شعر دیوان عمق بخاری از موسی کرمی و عبدالکریم زارهدشی، بررسی موسیقی بیرونی و کناری در

غزلیات ظهیر فاریابی از محمد فولادی و عبدالرضا زند، موسیقی بیرونی در شعر نادر نادرپور از حبیب‌الله عباسی و حامد ذاکری، موسیقی شعر در غزلیات شمس از محمد رضا شفیعی کدکنی از این‌گونه‌اند، اما دربارهٔ موسیقی شعر در غزلیات ابن‌یمین تحقیقی انجام نشده است؛ و این تحقیق با دقت زیاد و ارایهٔ آمار و نمودار و درصد فراوانی، سلیقهٔ شاعر در بکار بردن اوزان مختلف، استفاده از ردیف، حرف روی، کلمات قافیه را نشان داده است تا با این کار گوشه‌ای از سبک شعری شاعر و ذوق و قریحهٔ او در سرودن اشعار نمایان گردد.

۱-۳. ابن‌یمین و اشعارش

«امیر محمود پسر امیر یمین‌الدین طغرایبی نظر به اینکه پدرش از مستوفیان و دبیران معروف آن عهد بود و به طغرانیوسی شهرت داشت به لفظ طغرایبی مشهور گشت» (همایی، ۱۳۷۵: ۲۴۴). وی از شاعران عارف مسلک، زاهدپیشه و درویش مآب ایران در قرن هشتم هجری است و در انواع قالب‌های شعری بخت‌آزمایی کرده است. وی «در ایام دولت ملوک سربداری و پادشاهان کرت و امرای طغا تیموری با عزت و احترام می‌زیست و مخصوصاً با امیر وجیه‌الدین مسعود سربداری مدتی ملازمت داشت و علت تقرب ابن‌یمین به ملوک سربداری گذشته از مقام علمی و عرفانی جنبه تشیع بود. (همان: ۲۴۴)

مجموعه ابیات شاعر در دیوانی کامل با مقدمه و تصحیح حسینعلی باستانی راد ۱۴۰۶۳

بیت به شرح زیر است:

قصاید: ۱۶۳ قصیده در ۳۹۷۸ بیت، غزلیات: ۳۲۴ غزل در ۲۵۲۲ بیت، قطعات: ۸۹۳ قطعه در ۴۶۹۸ بیت، ترکیب‌بند: ۱۷ مورد در ۳۶۲ بیت، تاریخ و فیات: ۲۰ مورد در ۵۶ بیت، چیستان‌ها: ۲۰ مورد در ۶۶ بیت، کارنامه: ۲۹۳ بیت، مثنویات: ۱۵ مورد در ۵۲۹ بیت، قطعات عربی با ترجمه و ملمع‌ها: ۸۰ قطعه در ۲۱۰ بیت، رباعیات: ۶۷۱ رباعی در ۱۳۴۹ بیت، نثریات: ۶ نامه. نگاهی به دیوان اشعار ابن‌یمین نشان می‌دهد که او در همهٔ انواع شعر طبع‌آزمایی کرده ولی مهارت و شهرت وی بیشتر در قطعه‌سرایی است.

«وی بعد از عمری طولانی در سال ۷۶۹ هجری درگذشت و در فریومد در کنار قبر

پدرش به خاک سپرده شد». (صفا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۹۵۱)

۲. بحث و بررسی

۲-۱. موسیقی کناری

منظور از موسیقی کناری عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است، ولی ظهور آن در سراسر شعر قابل مشاهده نیست. برعکس موسیقی بیرونی که تجلی آن در سراسر بیت یا مصراع یکسان است و به طور مساوی و در همه جا به طور یکسان حضور دارد. جلوه‌های موسیقی کناری بسیار زیاد است و آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۷۱).

۲-۱-۱. تعاریف ردیف

ردیف قسمتی از موسیقی کناری شعر فارسی را تشکیل می‌دهد و از نوآوری‌های شاعران ایرانی است. «که با زبان فارسی پیوندی طبیعی دارد و از قدیم‌ترین روزگاران به صورت مشخص و برجسته در شعر فارسی وجود داشته است» (شفیعی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). با پیشرفت شعر فارسی بخصوص در قرون هفتم و هشتم هـ. حضور این مقوله ادبی در شعر پررنگ‌تر و محسوس‌تر می‌شود و هم‌زمان مورد توجه نویسندگان، پژوهشگران و منتقدین قرار می‌گیرد و هر کدام به جهاتی از تعریف شعری ردیف، نظر داشته‌اند. ردیف در لغت به معنی سواری است که پس سوار دیگر بر یک اسب می‌نشینند (پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۰۷۲). واعظ کاشفی در بدایع الفکار فی صنایع الاشعار ردیف را در صنعت شعر این‌گونه تعریف می‌کند: «ردیف آن است، که حرفی از حروف ضمیر و یا یک کلمه و یا بیش از آن بعد از قافیه آورده شود و این ردیف از آن گویند، که بعد از قافیه آید» (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۷۵). در این صورت، رابطه مفهوم لغوی ردیف با تعریف اصطلاحی و علت نامگذاری آن مشخص می‌شود.

تعریفی که شمس قیس رازی از ردیف ارائه می‌کند مبین استقلال این واژه است. «ردیف، کلمه‌ای می‌باشد مستقل و منفصل از قافیت که بعد از اتمام آن در لفظ آید بر وجهی که شعر در وزن و معنی بدان حاجت باشد، و به همان معنی در آخر ابیات مکرر شود» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۲۰۲). وطواط در حدائق السحر آورده است: «ردیف کلمه‌ای باشد یا بیشتر که بعد از روی آید در شعر پارسی، و این شعر را اهل صنعت مُردَف خوانند» (وطواط، ۱۳۶۲: ۷۹).

بنابر تعاریف فوق، دیگر حروف قافیه از قبیل خروج، مزید و نایره بعد از روی (آخرین حرف اصلی قافیه) تکرار می‌شوند، ردیف به‌شمار می‌روند.

پژوهشگران معاصر تعاریفی از ردیف ارائه نموده‌اند، که به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم. «کلمه یا کلماتی را که در آخر مصراع‌ها عیناً بعد از قافیه تکرار شوند، ردیف می‌نامند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

بر اساس پژوهش در غزلیات ابن یمین می‌توان گفت که از مجموع ۳۲۴ غزل او، ۱۲۲ غزل بدون ردیف و در ۲۰۲ غزل شاعر ردیف وجود دارد که به صورت یک و چند کلمه‌ای و از جنس فعل، ضمیر، حرف، اسم و مصدر می‌باشد. وی در بکارگیری ردیف‌های اسمی و فعلی ابتکاری و غیر رایج مهارت دارد. و در ردیف و قافیه بیشتر گرایش به کلمه‌ها و افعال ساده دارد و با استفاده بهینه و گاه اعجاب‌آور از این موسیقی کناری به اشعار خود آب و رنگی خاص می‌بخشد.

۱-۱-۲. اقسام ردیف در غزلیات ابن یمین فریومدی

الف) ردیف فعلی: از ۳۲۴ غزل ابن یمین، ۲۰۲ غزل مردّف است که ۱۵۵ غزل ردیف فعلی دارد و بسامد این نوع ردیف بیش از سایر انواع است؛ مانند: است، ماست، گرفت، شکست، گذشت، گیرم امشب آن شب است، باری چراست، گفت، برخاست، اندازند، می‌برد، ببینید، نخواهد بود، آویزد، کج نهند، می‌شکند، برخیزد، بازی می‌کند، ارزد، می‌جوییم، شکسته‌ای، کشیده‌ای، افکنده‌ای.

«هر چه ردیف بزرگ‌تر باشد اتحاد شاعر با خواننده و شنونده محکم‌تر و دلپذیرتر صورت می‌گیرد» (متحدین، ۱۳۵۴: ۵۱۷) ابن یمین نیز با انتخاب ردیف‌های فعلی و در برخی موارد چند جزئی و ترکیبی که نسبت به سایر انواع ردیف طولانی‌تر هستند به این موضوع توجه داشته و باعث دلنشین‌تر شدن اشعارش گردیده است.

نمونه‌هایی از ردیف فعلی:

کشیدن از رقیبان جور سهل است

اگر معشوق سیم‌اندام اهل است

(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۱۸۸)

مرا ترکانه چشم او به مستی گر جفاها گفت

چرا در تاب شد زلفش جفا گر گفت ما را گفت

(همان: ۲۱۱)

آنگه اندر پی آن راحت جان بر خیزد (همان: ۲۳۲)

خیال بین که به شب آفتاب می جویم

خیال روی تو هر شب به خواب می جویم

(همان: ۲۶۳)

ب) ردیف اسمی: نسبت به ردیف فعلی بسیار اندک است و در ۲۳ غزل دیده می شود؛ مانند: آب، دست، روح، گوش، آتش، مشک، گل، ناخن، آینه، می.

از تشنگان لعل لب و امدار آب

ای گشته از صفای رخت شرمسار آب

(همان: ۱۸۵)

از زنگ تیره می نشود دیگر آینه

گر نور روی روشنت افتد بر آینه

(همان: ۲۸۹)

برفشان صبحدم از بهر قدح گوهر می

ساقیا موسم عیدست بده ساغر می

(همان: ۳۰۷)

ج) ضمیر: ۸ مورد از ردیفها به صورت ضمیر «تو»، «شما»، «من»، و ترکیبی از ضمیر با سایر اقسام کلمه مانند: «بس شد مرا»، «باشد مرا»، «مرا»، «توام»، «دل من».

که ندارم پس ازین طاقت هجران شما

آمدم بار دگر بر سر پیمان شما

(همان: ۱۸۰)

کی ز جانان آمدی چندین ستم بر جان من

گر دلی بودی مرا در طالع و فرمان من

(همان: ۲۷۹)

به بنفشه عذارت که گل است همدم او

به کمند تابدارت که مه است در خم او

(همان: ۲۸۲)

د) حرف: ۴ مورد از غزلیات مردف به صورت حرف «را» و ترکیبی «به دست»، «در گوش»، «از غم» آمده است. هر که بیند رخ آن دلبر یغمایی را

نکند هیچ ملامت من شیدایی را (همان: ۱۸۴)

می گزیند بر سرم یار دگر یعنی که چه

روی می تابد ز من آن سیمبر یعنی که چه

(همان: ۲۸۷)

ه) **مصدر:** ۳ مورد از غزلیات مردف به صورت مصدر «بودن»، «آوردن» و «باختن» آمده است.
کار عشاق است جان در عشق جانان باختن

عشق جانان در حقیقت نیست جز جان باختن

(همان: ۲۷۸)

و) **صفت:** ۷ مورد از غزلیات مردف به صورت صفت آمده است؛ مانند: جدا، شکن، خوش، حُسن، نِهان.
ای روی دلربای تو باغ و بهار حُسن

وی خط مشکبار تو نقش و نگار حُسن

(همان: ۲۷۱)

ز) **قید:** ۲ مورد از ردیف‌ها به صورت قید «بار دگر»، «باز» آمده است.
دل به زنجیر سر زلف تو دربستم باز

من دیوانه و از بند خرد رستم باز

(همان: ۲۵۰)

۲-۱-۱-۲. انواع ردیف از نظر ترکیب

ردیف یک جزئی: ردیف‌های یک جزئی در غزلیات ابن یمین بسامد بالایی دارد تا جایی که از ۲۰۲ غزل مردف، در ۱۴۱ غزل ردیف یک جزئی بکار رفته است.
ساقیا چون گل شکفت از می‌پرستی چاره نیست

صورتی بی‌جان بود کو وقت گل میخواره نیست

(همان: ۲۰۴)

صبحدم بادی که از سوی خراسان می‌دمد

چون دم روح‌القدس در پیکرم جان می‌دمد

(همان: ۲۳۱)

کج‌نظر باشم اگر با تو به دل راست نیم

یا به جان در پی کاری که دلت خواست نیم

(همان: ۲۶۸)

زلف مشکین بر بناگوش چو سیم افکنده‌ای

از بنفشه بر سمن صد حلقهٔ جیم افکنده‌ای

(همان: ۳۰۶)

ردیف دو جزئی: ۴۰ مورد.

خرم آن کوی که منزلگه یار است آنجا

روز پیروز کسی راست که بار است آنجا

(همان: ۱۸۳)

گر مرا جان رود اندر پی جانان از دست

وصل جانان نتوان داد به صد جان از دست

(همان: ۲۱۰)

مرا به مجلس انس تو بار چون نبود

دل شکستهٔ من زیر بار چون نبود

(همان: ۲۳۶)

ردیف سه جزئی: ۱۷ مورد.

ای ترک بده بادهٔ گلفام که عید است

وز دست مده جام غم انجام که عید است

(همان: ۱۸۸)

گر چشم من ای جان جهان روی تو بیند

هم صورت و هم معنی جان روی تو بیند

(همان: ۲۳۵)

ردیف چند جزئی: ۴ مورد.

گر کسی چشم و لبی خواست چو بادام و شکر

گو ببین چشم و لبش راست چو بادام و شکر

(همان: ۲۴۷)

ابن یمین فریومدی در غزلیات خود از «ردیف» به خوبی استفاده کرده و بیش از ۶۲ درصد غزل‌های دیوانش مردف هستند و این امر نشان دهنده توجه وی به استفاده از ردیف در غزلیات می‌باشد؛ هرچند که بیشتر ردیف‌های استفاده شده ابن یمین کلمات ساده هستند و ردیف با «فعل» در غزلیات وی از بسامد بالایی برخوردار است.

۲-۱-۲. بررسی انواع قافیه در غزلیات ابن یمین

موسیقی کناری به ترتیب در قافیه و ردیف جلوه‌گر می‌شود. قافیه در شعر فارسی از جایگاه خاصی برخوردار است. «قافیه نوعی زمینه‌سازی برای القای موسیقی شعر در ذهن آدمی است. تکرار الفاظی که از نظر معنا و احتمالاً از لحاظ شکل ظاهری باهم متفاوتند، ولی از نظر لحن و آهنگ هم‌نوا هستند، لذتی به آدمی می‌بخشد که نزدیک است به لذتی که از استماع نغمه‌ای دریافت می‌کنیم» (ملاح، ۱۳۸۵: ۸۳). «قافیه از جمله عناصر مهم و کلیدی شعر در زبان فارسی است. علاوه بر داشتن اهمیت و کارکردهای مختلف در زیبایی شعر، سازمان فکری، موسیقایی و زبانی شعر را سامان می‌دهد. اما از همه مهم‌تر قافیه معنی دارد و از این لحاظ در خصوصیت کلی شعر عمیقاً دخیل است. قافیه لغات را گرد هم می‌آورد و با یکدیگر پیوند، یا تضاد با یکدیگر قرار می‌دهد». (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۷۸-۱۷۷)

۲-۱-۲-۱. قافیه اسمی: در غزلیات ابن یمین فریومدی، قافیه‌های اسمی بسامد بیشتری

نسبت به قافیه‌های فعلی و ... دارد. از ۳۲۴ غزل؛ قافیه ۲۱۱ غزل، اسمی یا ترکیبی از اسم با سایر اقسام کلمه است. قافیه‌های اسمی غزلیات شاعر از جمله موارد زیر است:

سمر، پسر (غزل ۲، ص ۱۸۰)، غم، دم (غ ۱۸۱/۵)، یار، بار (غ ۱۸۳/۱۰)، لب، شب (غ ۱۵/۱۸۵)، شب، لب (غ ۱۸۶/۱۶)، آفتاب، اضطراب (غ ۱۸۷/۱۸)، آفتاب، آب (غ ۱۸۷/۱۹)، یار، مار (غ ۱۹۰/۲۷)، خال، حال (غ ۱۹۵/۳۸)، نبات، حیات (غ ۱۹۵/۳۹)، حبیب، طبیب (غ ۴۷/۱۹۸)، روان، دهان (غ ۲۰۵/۶۴)، کار، روزگار (غ ۲۰۷/۶۸)، کام، نام (غ ۲۰۸/۷۰)؛ غ ۱۱۰/۲۲۴)، بوستان، جنان (غ ۲۰۹/۷۴)، عدن، ختن (غ ۲۱۰/۷۶)، حورا، دریا (غ ۱۸۵/۲۱۴)، رضوان، بستان (غ ۲۱۵/۸۸)، گهر، جگر (غ ۲۲۱/۱۰۳)، گره، زره (غ ۲۲۲/۱۰۵)، کام، گام (غ ۲۲۹/۱۲۲)، جهان، جان (غ ۲۳۲/۱۳۰؛ غ ۲۳۵/۱۳۶؛ غ ۲۲۵/۲۷۱)، گهر، سحر (غ ۱۳۷/۲۳۵)، جانان، جان (غ ۲۳۹/۱۴۷؛ غ ۲۶۹/۲۲۰)، زر، خور (غ ۲۴۰/۱۵۰)، بهار، قرار (غ ۱۵۹/۲۴۴)، ماه، آه (غ ۲۵۰/۱۷۵)، سنبل، گل (غ ۲۵۱/۱۷۷)، هوش، گوش (غ ۱۷۸/۲۵۲)، پرنیان، ارغوان (غ ۲۵۳/۱۸۲)، بلا، جفا (غ ۲۵۵/۱۸۶)، شفق، زورق (غ ۱۸۹/۲۵۶)، خال،

دال (غ ۱۹۰/۲۵۷)، فلک، ملک (غ ۱۹۲/۲۵۷)، گل، کاکل (غ ۱۹۵/۲۵۹)، مل، گل (غ ۱۹۶/۲۵۹)، خواب، آفتاب (غ ۲۰۶/۲۶۳)، بهار، نگار (غ ۲۲۴/۲۷۱)، سمن، چمن (غ ۲۲۷/۲۷۲)؛ غ ۲۴۲/۲۷۸)، سر، در (غ ۲۳۰/۲۷۳)، یاسمن، سمن (غ ۲۴۸/۲۸۰)، شکر، قمر (غ ۲۵۱/۲۸۱)، جمال، کمال (غ ۲۵۲/۲۸۲)، ماه، روح الله (غ ۲۶۱/۲۸۵)، خراسان، گلستان (غ ۲۶۲/۲۸۶)، ماه، الله (غ ۲۷۱/۲۸۹)، آواز، پرواز (غ ۲۸۹/۲۹۶)، گلزار، خار (غ ۳۰۶/۳۰۳)، روان، جان (غ ۳۰۸/۳۰۴)، ساغر، گوهر (غ ۳۱۵/۳۰۷)، چمن، نسترن (غ ۳۲۱/۳۰۹) و ...
روی شهرآرای یارم گر نبودی آفتاب

کی شدی از دیدن او دیده مشتاق، آب

(ابن یمن، ۱۳۴۴: ۱۸۷)

زلف پرچین تو سرمایه مشک ختن است

لعل شیرین تو پیرایه در عدن است

(همان: ۲۱۰)

قامت است این یا قد شمشاد یا سرو چمن

عارض است آن یا گل سیراب بر برگ سمن

(همان: ۲۷۸)

برفشان صبحدم از بهر قدح گوهر می

ساقیا موسم عید است بده ساغر می

(همان: ۳۰۷)

۱-۲-۲. قافیه فعلی: قافیه ۲۶ غزل از غزلیات ابن یمن به صورت فعل است؛ مانند:

شکفت، آشف (غزل ۱۷۱/ص ۲۰۸)، نادیده، نشنیده (غ ۱۹۰/۲۱۶)، بریده، دریده (غ ۱۹۷/۲۱۹)، می گذرد، شمرد (غ ۱۱۸/۲۲۷)، نرهند، ننهند (غ ۱۳۱/۲۳۳)، بگشاید، بنماید (غ ۱۳۸/۲۳۵)، خواست، راست (غ ۱۶۵/۲۴۶)، بستم، رستم (غ ۱۷۴/۲۵۰)، می بینم، می چینم (غ ۲۰۰/۲۶۱)، گشوده‌ام، ستوده‌ام (غ ۲۰۵/۲۶۳)، دادیم، گشادیم (غ ۲۰۸/۲۶۴)، راست، خواست (غ ۲۱۷/۲۶۸)، برداشتی، بنگاشتی (غ ۲۹۹/۳۰۰)، کجایی، نیایی (غ ۳۰۱/۳۰۱)، بنمای، بیارای (غ ۳۰۲/۳۰۲)، بریده‌ای، دیده‌ای (غ ۳۰۴/۳۰۲)، بشوی، مگوی (غ ۳۱۱/۳۰۵)، رستمی، نشستمی (غ ۳۱۸/۳۰۸).

گل جمال تو چون بر فراز سرو شکفت

بر او چو سنبل زلفت هزار دل آشفت

(همان: ۲۰۸)

تا من زبان چو بلبل خوشگو گشوده‌ام

گلزار فضل را به صد الحان ستوده‌ام

(همان: ۲۶۳)

گر من ز بند عشق تو یک روز رستمی

باقی عمر با دل خرم نشستمی

(همان: ۳۰۸)

۱-۲-۳. قافیه صفت: ۷۶ مورد از قافیه غزلیات ابن یمین به صورت صفت بکار رفته است. از جمله: شرمسار، وامدار (غزل ۱۴ / ص ۱۸۵)، نامهربان، دلستان (غ ۳۱ / ۱۹۲)، بالا، شهرآرا (غ ۳۶ / ۱۹۴)، رفتار، گفتار (غ ۴۴ / ۱۹۷)، گفتار، رفتار (غ ۴۵ / ۱۹۷؛ غ ۸۷ / ۲۱۴)، دستان، مستان (غ ۴۶ / ۱۹۸)، تر، معمر (غ ۵۲ / ۲۰۰)، چاره، میخواره (غ ۶۲ / ۲۰۴)، آباد، آزاد (غ ۶۷ / ۲۰۶)، مست، شکست (غ ۷۸ / ۲۱۱)، فرزانه، دیوانه (غ ۸۴ / ۲۱۳)، سیراب، ناب (غ ۹۹ / ۲۲۰)، بی‌خار، خوش‌رفتار (غ ۱۱۲ / ۲۲۵)، دلستان، ارغوان (غ ۱۲۱ / ۲۲۸)، گلگون، میگون (غ ۱۲۹ / ۲۳۲)، دستان، آسان (غ ۱۴۲ / ۲۳۷)، چمن‌آرا، طرب‌افزا (غ ۱۵۲ / ۲۴۱)، آبدار، مشکبار (غ ۱۷۹ / ۲۵۲)، زهرا، لالا (غ ۱۸۰ / ۲۵۳)، تماشا، رعنا (غ ۱۹۸ / ۲۶۰)، رخشان، پریشان (غ ۲۰۴ / ۲۶۲)، سرافشان، پریشان (غ ۲۱۶ / ۲۶۷)، گردون، گلگون (غ ۲۲۹ / ۲۷۳)، عنبرسا، رعنا (غ ۲۳۲ / ۲۷۴)، مشکین، مسکین (غ ۲۳۳ / ۲۷۴)، بینوایان، گدایان (غ ۲۳۷ / ۲۷۶)، جانفزا، دلگشا (غ ۲۴۹ / ۲۸۰)، سمن‌سیما، سوسن‌سا (غ ۲۵۵ / ۲۸۳)، شبانه، مغانه (غ ۲۶۰ / ۲۸۵)، دیوانه، بیگانه (غ ۲۷۲ / ۲۸۹)، دوستکانی، ارغوانی (غ ۲۸۷ / ۲۹۵)، شکرلب، سیم‌غیغ (غ ۳۲۴، ۳۱۰) و ...

با من آن مهروی من نامهربان از بهر چیست

با دلم دایم به کین آن دلستان از بهر چیست

(همان: ۱۹۲)

بر برگ گلش سنبل سیراب ببینید

در حقه لعلش گهر ناب ببینید

(همان: ۲۲۰)

ای ترک پرچهره از آن جام شبانه

در ده به صیوحی می گلرنگ مغانه

(همان: ۲۸۵)

مرا زنجیر زلف او بدانسان کرد دیوانه
که از سودای او گشتم ز عقل خویش بیگانه

(همان: ۲۸۹)

۱-۲-۴. قافیه ضمیر: ۴ مورد که همه آنها به صورت ترکیب با سایر اقسام کلمه بکار رفته است؛ ما، صبا (غزل ۶/ ص ۱۸۲)، من، ختن (غ ۱۸۹/ ۲۱۵)، می، وی (غ ۲۲۳/ ۲۷۰)، سیمین تن، من (غ ۲۷۹/ ۲۹۳).

یارب این بوی خوش از زلف دلارام من است
یا صبا همنفس نافه مشک ختن است

(همان: ۲۱۵)

نگارینا بهار آمد بیا تا جام می گیریم
طرب را طالع ثابت ز جرم طبع وی گیریم

(همان: ۲۷۰)

۱-۲-۵. قافیه مصدر: ۷ مورد از قافیه‌ها به صورت مصدر و حاصل مصدر یا ترکیبی آمده است؛ مانند: یغمایی، شیدایی (غزل ۱۳/ ص ۱۸۴)، نوشیدن، دیدن (غ ۶۰، ۲۰۴)، باقی، مشتاقی (غ ۶۱/ ۲۰۴)، همرازی، غمازی (غ ۳۱۷، ۳۰۸)، زندگی، بندگی (غ ۳۲۰/ ۳۰۹).
ساقیا برخیز کانون وقت می نوشیدن است

موسم بستان و هنگام گلستان دیدن است

(همان: ۲۰۴)

صبا چو با سر زلف تو کرد همرازی

زبان گشاد نسیم خوشش به غمازی

(همان: ۳۰۹)

۱-۲-۳. حروف روی در غزلیات ابن یمن عبارتند از:

۱- حرف روی (۱): ۲۷ مورد؛ غزل ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۳۰، ۳۶، ۴۲، ۵۵، ۷۹، ۸۵، ۹۴، ۱۵۲، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۳۲، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۲، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۲۲.

- ۲- حرف روی (ب): ۲۰ مورد؛ غزل ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۴۷، ۵۰، ۹۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۷۰، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۷ و ۳۲۴.
- ۳- حرف روی (ت): ۱۷ مورد؛ غزل ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۹، ۵۹، ۷۱، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۱۴۶، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹، ۲۱۷، ۲۲۲ و ۳۱۸.
- ۴- حرف روی (د): ۱۴ مورد؛ غزل ۸، ۶۰، ۶۷، ۸۱، ۹۰، ۹۷، ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۳، ۲۰۵، ۲۰۸ و ۲۸۴.
- ۵- حرف روی (ر): ۷۹ مورد؛ غزل ۲، ۱۰، ۱۴، ۲۱، ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۶۶، ۶۸، ۷۲، ۷۳، ۸۷، ۹۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۱، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۶ و ۳۱۵.
- ۶- حرف روی (ز): ۷ مورد؛ غزل ۴۱، ۹۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۲۴۱، ۲۸۹ و ۳۱۷.
- ۷- حرف روی (س): ۳ مورد؛ غزل ۷، ۱۰۰ و ۲۹۲.
- ۸- حرف روی (ش): ۶ مورد؛ غزل ۵۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۹ و ۲۱۴.
- ۹- حرف روی (ف): ۱ مورد؛ غزل ۱۸۷.
- ۱۰- حرف روی (ق): ۲ مورد؛ غزل ۱۸۸ و ۱۸۹.
- ۱۱- حرف روی (ک): ۱ مورد؛ غزل ۱۹۲.
- ۱۲- حرف روی (گ): ۱ مورد؛ غزل ۱۹۱.
- ۱۳- حرف روی (ل): ۱۲ مورد؛ غزل ۲۲، ۳۸، ۶۳، ۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۵۲، ۲۸۳ و ۲۹۶.
- ۱۴- حرف روی (م): ۱۷ مورد؛ غزل ۵، ۲۳، ۳۷، ۵۳، ۷۰، ۸۶، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۶، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۴۷، ۲۵۳، ۳۱۳ و ۳۱۹.
- ۱۵- حرف روی (ن): ۷۵ مورد؛ غزل ۱، ۳، ۲۵، ۳۱، ۴۶، ۴۸، ۵۱، ۵۸، ۶۴، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۵، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳.

۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۰ و ۳۲۱.

۱۶- حرف روی (و): ۶ مورد؛ غزل ۶۵، ۶۹، ۸۰، ۲۵۰، ۲۵۴ و ۲۵۸.

۱۷- حرف روی (هـ): ۱۹ مورد؛ غزل ۲۴، ۶۲، ۸۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۷۵، ۲۱۰، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۹۴، ۳۰۴، ۳۱۴ و ۳۲۰.

۱۸- حرف روی (ی) ۱۷ مورد؛ غزل ۶۱، ۱۱۴، ۲۲۳، ۲۵۶، ۲۶۵، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲ و ۳۲۳.

با نگاهی به حروف مورد استفاده در اشعار ابن یمن می‌توان دریافت که شاعر از ظرفیت حروف فارسی استفاده خوبی کرده‌است.

جدول بسامد حرف روی در غزلیات ابن یمن

روی	ا	ب	ت	د	ر	ز	س	ش	ف
بسامد	۲۷	۲	۱۷	۱۴	۷۹	۷	۳	۶	۱
روی	ق	ک	گ	ل	م	ن	و	هـ	ی
بسامد	۲	۱	۱	۱۲	۱۷	۷۵	۶	۱۹	۱۷

از مجموع ۳۲۴ غزل ابن یمن، ۶۵ مورد دارای حرف وصل است که عبارتند از:

۱- حرف وصل (ا): ۴ مورد (غزل: ۲، ۲۳۱، ۲۹۴ و ۳۰۴).

۲- حرف وصل (ت): ۴ مورد (غزل: ۲۲، ۴۵، ۵۸ و ۳۰۳).

۳- حرف وصل (ش): ۳ مورد (غزل: ۱۷۷، ۱۸۲ و ۲۳۲).

۴- حرف وصل (م): ۷ مورد (غزل: ۱۷۴، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۲ و ۳۱۸).

۵- حرف وصل (ن): ۱ مورد (غزل ۶۰).

۶- حرف وصل (هـ): ۳ مورد (غزل: ۹۰، ۹۷ و ۲۰۵).

۷- حرف وصل (ی): ۴۳ مورد (غزل: ۱۳، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۵۰، ۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۰، ۸۴، ۱۰۶، ۱۳۵، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱ و ۳۲۲).

جدول بسامد حرف وصل در غزلیات ابن یمین

وصل	ا	ت	ش	م	ن	هـ	ی
بسامد	۴	۴	۳	۷	۱	۳	۴۳

۲-۲. موسیقی بیرونی

موسیقی بیرونی «همان چیزی است که وزن عروضی خوانده می‌شود و لذت بردن از آن امری غریزی است یا نزدیک به غریزی؛ بنابراین، محور عروضی یک شاعر به لحاظ حرکت و سکون و تنوع آن‌ها و به لحاظ هماهنگی با زمینه‌های درونی و عاطفی شعر قابل بررسی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۹۵). به جرأت می‌توان اذعان کرد که مشخص‌ترین جنبه موسیقی شعر، عروض یا همان موسیقی بیرونی است. «زبان‌ها بر اساس عنصری که مبنای وزن هر زبان است باهم تفاوت پیدا می‌کنند» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۹۲). در شعر نیز می‌توان به چنین دیدگاهی قائل بود به این معنی که اشعار براساس محتوایی که هر کدام وزن متناسبی را می‌طلبند، از هم متفاوت می‌شوند. به عنوان مثال از عوامل عمده انتقال محتوای حماسی شاهنامه، استفاده فردوسی از بحر متقارب است.

۲-۲-۱. اوزان عروضی غزلیات ابن یمین

ابن یمین در غزلیات خود دقیقاً از نه محور عروضی سود جسته است که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- بحر رمل: ۱۴۰ غزل؛ ۲- بحر هزج: ۷۹ غزل؛ ۳- بحر مضارع: ۴۷ غزل؛ ۴- بحر مجتث: ۳۰ غزل؛ ۵- بحر منسرح: ۱۲ غزل؛ ۶- بحر خفیف: ۷ غزل؛ ۷- بحر رجز: ۶ غزل؛ ۸- بحر متقارب: ۲ غزل؛ ۹- بحر سریع: ۱ غزل.

بسامد و بکارگیری محور و اوزان شعری غزلیات ابن یمین به شرح ذیل است:

۱- بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

در این وزن ۱۹ غزل سروده شده است که شماره غزل‌ها عبارتند از: ۴، ۴۴، ۵۸، ۷۹، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۵۸، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۲، ۲۹۱، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۴ و ۳۲۳:

الا ای دل اگر خواهی تماشاگاه علوی را

بسان قدسیان بر شو به بام گنبد مینا

(ابن یمن، ۱۳۴۴: ۱۸۱)

تعالی الله چه روپست آن که دارد ترک سیمین بر

ندیده چون خیال او بتی هرگز به خواب اندر

(همان: ۲۴۳)

نگارینا نمی‌شاید تو را گفتن به رخ ماهی

که در خُست کسی همتا ندید از ماه تا ماهی

(همان: ۳۱۰)

۲- بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

غزل‌های شماره ۲۱، ۲۲، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۸۲، ۲۴۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۱ و ۳۰۷ در این وزن سروده شده‌است (۱۴ غزل):

خرد را مسست و بی‌آرام کردند

شراب عشق چون در جام کردند

(همان: ۲۳۰)

شکستی بر بتان آذر انداز

خلیلم گو نقاب از رخ برانداز

(همان: ۲۵۰)

که یکدم نزد مشتاقان نیایی

بگو ای ماه تابان تا کجایی

(همان: ۳۰۱)

۳- بحر هزج مثنی‌اخر (مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن)

شاعر در این وزن ۱۱ غزل سروده است (به شماره ۶۱، ۹۲، ۹۶، ۱۱۰، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۷، ۲۸۲ و ۲۸۴):

کز سوختگی جانم در غایت مشتاقیست

ساقی قدحی در ده گر هیچ می‌ات باقیست

(همان: ۲۰۴)

از ما به جهان باقی جز نام نخواهد بود

جانا ز لبِت ما را گر کام نخواهد بود

(همان: ۲۲۴)

ای زلف دلاویزت در گردن جان بندی / وی لعل شکرریزت هر بوسه ازو قندی

(همان: ۲۹۵)

۴- بحر هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف (مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن)

در این وزن ۳۲ غزل سروده شده است (غزل‌های ۲۳، ۲۴، ۳۸، ۴۲، ۵۳، ۷۷، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۸۸، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۹ و ۳۱۶):

ای قبله صاحب‌نظران روی چو ماهت / وی فتنه دوران قمر چشم سیاهت

(همان: ۱۸۹)

با ما غم هجران تو ای دوست نه آن کرد / کان قصه توانیم به صد سال بیان کرد

(همان: ۲۲۱)

ای عارض مه‌پیکر تو صورت جانی / وی پسته شیرین سخت شور جهانی

(همان: ۲۹۰)

دی بر در دلدار نشستیم زمانی / گفتیم بگویند که اینجاست فلانی

(همان: ۳۰۴)

۵- بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف (مفعولُ مفاعلن فعولن)

در این وزن ۴ غزل سروده شده است (غزل ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۷۶ و ۳۰۲):

من عاشق و رند و می پرستم / سرمست صبوحی الستم

(همان: ۲۷۰)

جانارخ چون بهار بنمای / عالم به جمال خود بیارای

(همان: ۳۰۱)

۶- بحر مضارع مثنیٰ اخرب (مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلاتن)

در این وزن ۳ غزل سروده شده است (غزل ۳۳، ۱۹۶ و ۲۳۷):

بر ماه و سرو آید هر لحظه صد قیامت / زان سرو ماه‌طلعت وان ماه سرو قامت

(همان: ۱۹۳)

جانا به چشم رحمت بنگر به بینوایان / سلطان حسن آخر بخشای بر گدایان

(همان: ۲۷۶)

۷- بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف (مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن)

۴۴ غزل: ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۷، ۴۷، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۷۴، ۸۳، ۹۱، ۹۷، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۳۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۳، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۸ و ۳۲۴:

افتاد همچو ذره مرا دل در اضطراب تا کرد زیر سایه نهان زلفت آفتاب

(همان: ۱۸۷)

شد شکل یک هلال ز خورشید در کسوف تا بر حریر ساده کشیدی علم ز صوف

(همان: ۲۵۵)

کز تاب آفتاب شود با فروغ ماه فرخنده طالعی بود آن را که هر پگاه

(همان: ۲۸۸)

سروی سمن‌بری صنمی سیم‌غبغبی یارب کراست چون تو نگاری شکرلیبی

(همان: ۳۱۰)

۸- بحر رمل مثنیٰ محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

در این وزن ۴۶ غزل سروده شده است (غزل‌های ۳، ۷، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۵۰، ۶۰، ۶۲، ۶۸، ۷۳، ۷۸، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۰۳ و ۳۱۳):

بر وصالش یک‌نفس گر دسترس باشد مرا حاصل عمر عزیز آن یک‌نفس باشد مرا

(همان: ۱۸۲)

گر دلم بردی به غارت قصد جان باری چراست ور نخواهی کرد خیری شور و شر باری چراست

(همان: ۲۰۹)

شادباش ای دل که حالت پیش جانان گفته‌اند ماجرای درد تو یک‌یک به درمان گفته‌اند

(همان: ۲۳۰)

آنچه با من می‌کند از دوستی سیمین‌تنی دشمنم نپسندد آن حالت به جای چون منی

(همان: ۲۹۳)

۹- بحر رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

در این وزن ۹ غزل سروده شده است (غزل ۵، ۵۴، ۶۹، ۸۶، ۱۰۷، ۱۴۵، ۱۹۴، ۲۲۷ و ۳۱۹):

باشد از من باز کمتر غم جدا

غم نشد زین خسته دل یکدم جدا (همان: ۱۸۱)

تاز پیشم نازنین دلدار شد

بی‌رخش نور و نوام از کار شد

(همان: ۲۲۳)

۱۰- بحر رمل مَثْمَن مَخْبُون (فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن)

در این وزن ۱ غزل سروده شده است (غزل ۶۴):

شکرست آن لب میگون تو یاقوت روانست

که ازو چشم رهی چشمه یاقوت روانست

(همان: ۲۰۵)

۱۱- بحر رمل مَثْمَن مَخْبُون محذوف (فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن):

در این وزن ۸۱ غزل (به شماره ۱، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۶، ۲۹، ۳۷، ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۵۵، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۸، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۴، ۲۳۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۹۲، ۳۱۵، ۳۲۱ و ۳۲۲) سروده شده است:

لعل شیرین تو شور دل شیدااست مرا

زلف مشکین تو سرمایه سود است مرا

(همان: ۱۸۴)

بنده عارض تو سوسن آزاد شدست

عالم از حسن تو یکسر حسن آباد شدست

(همان: ۲۰۶)

لعل فام است مگر خون جگر می‌آید

بازم از دیده در بار گهر می‌آید

(همان: ۲۲۱)

سنبل زلف تو را هست سر تاب هنوز

نرگس مست تو دارد هوس خواب هنوز

(همان: ۲۴۸)

۱۲- بحر رمل مسدس مَخْبُون محذوف (فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن):

در این وزن ۲ غزل به شماره ۱۵۹ و ۲۰۱ سروده شده است:

که برد زاهل خرد صبر و قرار

حبّذا نزهت ایام بهار

(همان: ۲۴۴)

۱۳- بحر رمل مَثْمَن مشکول (فَعْلَاتِن فاعلاتن فَعْلَاتِن فاعلاتن):

در این وزن ۲ غزل به شماره ۲۸ و ۲۵۳ سروده شده است:

به فروغ مهر رویش که مهست از آن عبارت به فریب چشم مستش که دهد جهان به غارت

(همان: ۱۹۱)

۱۴- بحر خفیف مسدس مخبون (فعالتن مفاعلن فعلن)

در این وزن ۷ غزل به شماره ۲، ۶۶، ۱۰۹، ۱۵۰، ۱۶۶، ۱۷۹ و ۱۸۱ سروده شده است:

شکن زلف یار پُر شکن است ای بسادل که زیر هر شکن است

(همان: ۲۰۶)

رنگ یاقوت آبدارت خوش بوی زلفین مشکبارت خوش

(همان: ۲۵۲)

۱۵- بحر رجز مثنی سالم (مستعلن مستعلن مستعلن مستعلن)

در این وزن ۳ غزل سروده شده است (غزل ۹۴، ۱۹۲ و ۲۲۰):

آن ترک یغمایی نگر دل‌ها به یغما می‌برد

آن زلف بی‌آرام بین کارام‌ها می‌برد

(همان: ۲۱۷)

من دوش بیخود یک‌نفس در کوی جانان آمدم

بی‌زحمت تن ساعتی در عالم جان آمدم

(همان: ۲۶۹)

۱۶- بحر سریع مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

در این وزن ۱ غزل سروده شده است (غزل ۱۳۴):

گردد گلست سبزه تر می‌دمد تازه نباتت ز شکر می‌دمد

(همان: ۲۳۴)

۱۷- بحر رجز مثنی مطوی مخبون (مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن)

در این وزن ۱ غزل سروده شده است (غزل ۱۱۷):

روز و شب از دو چشم من گر همه سیل خون شود

نیست گمان من کزو نقش رخت برون شود

(همان: ۲۲۷)

۱۸- بحر منسرح مطوی مکشوف (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)
در این وزن ۱۱ غزل به شماره ۳۲، ۴۳، ۴۹، ۵۹، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۸ و ۲۲۸: سروده شده است:
باد صبا چون نقاب از رخ گل برگرفت بلبل مست از نشاط زمزمه از سر گرفت

(همان: ۱۹۲)

کوکبۀ گل رسید ای صنم گلغذار جام طرب وقت گل بی می گلگون مدار

(همان: ۲۴۶)

گر به صبحی کنی عزم تماشای گل بر قدمت سرنهد شاهد رعنای گل

(همان: ۲۶۰)

۱۹- بحر منسرح مثنی مطوی منحور (مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع)
در این وزن ۱ غزل سروده شده است (غزل ۲۸۱):
آب حیات است یا لبان که تو داری چشمۀ نوش است یا دهان که تو داری

(همان: ۲۹۳)

۲۰- بحر متقارب مثنی سالم (فعولن فعولن فعولن فعولن)
در این وزن ۱ غزل به شماره ۶ سروده شده است:
بیا ماهرو با شکرلب نگارا گشایش ده از بند غم جان ما را

(همان: ۱۸۲)

۲۱- بحر متقارب مثنی محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل)
در این وزن ۱ غزل به شماره ۹۰ سروده شده است:
زهی من وفای تو نادیده هیچ به غیر از جفای تو نشنیده هیچ

(همان: ۲۱۶)

۲۲- بحر مجتث مثنی مخبون (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)
در این وزن ۱ غزل به شماره ۲۰۹ سروده شده است:
درآی از درم ای آرزوی دل که بر آنم که بر دو دیدۀ روشن به مردمیت نشانم

(همان: ۲۶۴)

۲۳- بحر مجتث مثنی مخبون محذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)
در این وزن ۲۹ غزل سروده شده است که شماره غزلها عبارتند از: ۹، ۱۶، ۳۰، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۶۳، ۷۱، ۸۱، ۹۳، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۶، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۱۲ و ۳۱۷:

تویی که مهر تو دلبند و دلگشاست مرا

منم که عشق تو هم درد و هم دواست مرا

(همان: ۱۸۳)

ز تاب می چو خوی از روی دلستان بچکد

مرا ز نرگس تر آب ارغوان بچکد

(همان: ۲۲۸)

زهی به وقت سخن لعلت از درافشانی

شکسته رونق بازار گوهر کنانی

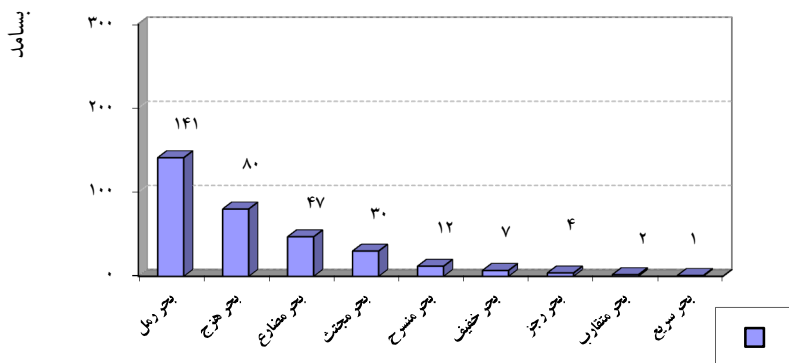
(همان: ۳۰۶)

نگاهی به بحور و اوزان شعری غزلیات ابن یمن، بیانگر این مطلب است که ۳۷ غزل او در قالب مسدس و ۲۸۷ غزل در قالب مثنی سروده شده‌اند.

اوزان و بحور عروضی غزلیات ابن یمن فریومدی

ردیف	وزن	بحر	؛ سامد	درصد
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنی سالم	۱۹	۵/۸۷
۲	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مسدس محذوف	۱۴	۴/۳۲
۳	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن	هزج مثنی اخب	۱۱	۳/۴۱
۴	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	هزج مثنی اخب مکفوف محذوف	۳۲	۹/۸۸
۵	مفعول مفاعیلن فعولن	هزج مسدس اخب مقبوض محذوف	۴	۱/۲۴
۶	مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن	مضارع مثنی اخب	۳	۰/۹۲
۷	مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن	مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف	۴۴	۱۳/۵۹
۸	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محذوف	۴۶	۱۴/۲
۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف	۹	۲/۷۸
۱۰	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی مخبون	۱	۰/۳۰
۱۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی مخبون محذوف	۸۱	۲۵/۰۲
۱۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس مخبون محذوف	۲	۰/۶۱
۱۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی مشکول	۲	۰/۶۱
۱۴	فاعلاتن مفاعیلن فاعلن	خفیف مسدس مخبون	۷	۲/۱۷
۱۵	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مثنی سالم	۳	۰/۹۲
۱۶	مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع مطوی مکشوف	۱	۰/۳۰
۱۷	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	رجز مثنی مطوی مخبون	۱	۰/۳۰
۱۸	مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن	منسرح مطوی مکشوف	۱۱	۳/۴۱

۰/۳۰	۱	منسرح مئمن مطوی منحور	مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع	۱۹
۰/۳۰	1	متقارب مئمن سالم	فعولن فعولن فعولن	۲۰
۰/۳۰	1	متقارب مئمن محذوف	فعولن فعولن فعل	۲۱
۰/۳۰	1	مُجْتَثّ مئمن مخبون	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن	۲۲
۰/۳۰	29	مُجْتَثّ مئمن مخبون محذوف	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعَلن	۲۳



نمودار بسامد اوزان عروضی غزلیات ابن یمین فریومدی

با دقت در جدول و نمودار بالا مشاهده می‌کنیم، ابن یمین در غزلیات از نه بحر عروضی سود جست‌ه‌است که در این میان، به بحر رمل، هزج و مضارع توجه و علاقه خاصی نشان داده، به طوری که ۸۲/۷۵ درصد غزلیات خود را در این بحور سروده‌است. هم‌چنین باید اذعان کرد که شاعر پرکاربردترین و مطبوع‌ترین اوزان شعر فارسی را در سرودن غزل‌هایش استفاده کرده و این امر سبب افزایش اعتبار و اهمیت اشعار او شده‌است.

۳. نتیجه‌گیری

ابن یمین فریومدی در دیوان خود ۳۲۴ غزل دارد که دقیقاً در سرودن غزلیات از نه بحور عروضی سود جست‌ه‌است. از نظر انتخاب اوزان عروضی، خوش ذوق بوده و زیباترین وزن‌های عروضی را برای غزل‌های خود انتخاب کرده‌است. نگاهی به بحور و اوزان شعری غزلیات وی حاکی از این است که ایشان در سرودن این قالب شعری ۴۳/۵۲٪ از بحر رمل، ۲۴/۷۲٪ از بحر هزج، ۱۴/۵۱٪ از بحر مضارع، ۹/۲۵٪ از بحر مجتث، ۳/۷۱٪ از بحر منسرح، ۲/۱۷٪ از بحر خفیف، ۱/۲۲٪ از بحر رجز، ۰/۱۶٪ از بحر متقارب و ۰/۳۰٪ از بحر سریع استفاده کرده‌است. نگاهی

به بحور و اوزان شعری غزلیات شاعر، بیانگر این مطلب است که ۳۷ غزل وی یعنی ۱۱/۴۲٪ در قالب مسدس و ۲۸۷ غزل یعنی ۸۸/۵۸٪ در قالب مثنی سروده شده‌اند.

از مجموع ۳۲۴ غزل ابن یمن، ۲۰۲ مورد یعنی ۶۲/۳۴٪ دارای ردیف است که به صورت یک و دو، یا چند کلمه‌ای و از جنس فعل، حرف، اسم و ضمیر است. همچنین ۶۵/۱۲٪ غزل‌های وی دارای قافیه اسمی، ۲۳/۴۶٪ دارای قافیه صفت، ۸/۰۳٪ دارای قوافی فعلی، ۱/۲۳٪ دارای قافیه ضمیر و ۲/۱۶٪ دارای قافیه مصدری هستند.

بر اساس پژوهش در غزلیات شاعر می‌توان گفت که حرف روی (ر) با ۷۹ مورد و حرف روی (ن) با ۷۵ مورد در غزلیات، بیشترین حروف روی را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر آن از مجموع غزل‌های او ۶۵ مورد یعنی ۲۰/۰۶٪ دارای حرف وصل است.

فهرست منابع

- ابن‌یمین فریومدی، امیرمحمود، (۱۳۴۴)، *دیوان اشعار*، به تصحیح و اهتمام: حسینعلی باستانی راد، تهران: کتابخانه سنایی.
- پادشاه، محمد، (۱۳۶۳)، *آندراج*. تهران: خیام.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، *موسیقی شعر*، تهران: آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، چاپ دوم، تهران: اختران.
- شمس قیس رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس، (۱۳۶۰)، *المعجم فی معاییر الاشعار العجم*، تصحیح علامه قزوینی و مقابله مدرس رضوی، تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۴)، *آشنایی با عروض و قافیه*، چاپ یازدهم، تهران: فردوسی.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، جلد ۲، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- متحدین، ژاله، (۱۳۵۴)، «تکرار ارزش صوتی و بلاغی آن»، *مجله جستارهای نوین ادبی*، دانشگاه فردوسی، شماره ۴۳، صص ۴۸۳ - ۵۲۰.
- ملاح، حسنعلی، (۱۳۸۵)، *پیوند موسیقی و شعر*، تهران: فضا.
- واعظ کاشفی سبزواری؛ کمال‌الدین، (۱۳۶۹)، *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، ۹۳۹ق، ویراسته و گزارده، کزازی، میرجلال‌الدین، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۸۶)، *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*، چاپ ششم، تهران: سمت.
- وطواط، رشیدالدین عمر کاتب بلخی، (۱۳۶۲)، *حدایق السحر فی دقایق الشعر*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنایی و طهوری.
- ولک، وارن؛ رنه، آستن، (۱۳۷۳)، *نظریه ادبیات*، ترجمه ضیا موحد و پوران مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.
- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۵)، *تاریخ ادبیات ایران*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.